Quarterly journal of strategic management attitude
Vol 4, No 2(14), summer 2026
https://pmr.sndu.ac.ir

Type of Article: Reseach

Conceptual Model of the Poverty Alleviation Policymaking Process: A Meta-Synthesis of Global Literature and Implications for Iran

Mehdi Norouzi[1], Ali Asghar Pourezzat[2]*

Received: 2026/02/16 **PP: 09-44** **Accepted:** 2026/05/31

Abstract

A review of the literature on poverty alleviation reveals that despite a growing body of research, a coherent framework to systematically understand the interconnected factors shaping the poverty alleviation policymaking process remains largely unformulated. While valuable, existing studies tend to focus on isolated dimensions of the issue—such as social protection instruments, poverty reduction programs, distributive justice, or policy outcome evaluation—frequently overlooking the critical linkages among policy design, institutional capacity, implementation mechanisms, and evaluation frameworks. Consequently, developing an integrated understanding of the constituent components of the poverty alleviation policymaking process has become essential.

This study aims to develop a conceptual model of the poverty alleviation policymaking process through a meta-synthesis of global literature, exploring its analytical implications for Iran's policy context. To this end, we employed a qualitative meta-synthesis methodology based on the Sandelowski and Barroso framework. Initially, a systematic search across major academic databases identified 290 English-language publications published post-2000. Following a multi-stage screening process to assess thematic relevance and methodological rigor, 42 studies were ultimately selected for in-depth analysis. Data from these selected studies were synthesized using conceptual coding and thematic aggregation.

The findings culminated in a conceptual model comprising 58 basic themes, 18 organizing themes, and 6 global themes. The identified global themes encompass: targeted poverty reduction strategies, stakeholder engagement, institutional capacities and challenges, policy effectiveness evaluation, distributive justice and sustainability, and technological and digital innovation. Our findings indicate that poverty alleviation policymaking is an inherently multidimensional process, demanding simultaneous attention to policy design, institutional capacity, implementation mechanisms, robust evaluation, and overarching considerations of justice and sustainability. While derived from a meta-synthesis of international research, the proposed model is interpreted and discussed within the specific context of Iran's policy landscape to derive actionable and contextualized implications.

KeyWords: Poverty Alleviation Policymaking Process, Meta-Synthesis, Poverty Alleviation Governance, Distributive Justice, Digital Innovation.

Reference: Norouzi, M. & Pourezzat, A. A. (2026). Conceptual Model of the Poverty Alleviation Policymaking Process: A Meta-Synthesis of Global Literature and Implications for Iran. *Strategic management attitude*, *4*(2), 9-44.https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.30605865.1405.4.1.1.3

[1] PhD Student in Public Administration, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. norouzi.mehdi@ut.ac.ir

[2] Department of Public policy and administration, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author). pourezzat@ut.ac.ir

فصلنامه نگرش مدیریت راهبردی
سال ۴/ شماره۲(۱۴)/ تابستان ۱۴۰۵
https://pmr.sndu.ac.ir/

نوع مقاله: پژوهشی

الگوی مفهومی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی: فراترکیبی از مطالعات جهانی و دلالت‌هایی برای ایران

مهدی نوروزی[۱] و علی‌اصغر پورعزت[۲]*

دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ صص: ۹-۴۴ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

چکیده

بررسی ادبیات پژوهشی در حوزه فقرزدایی نشان می‌دهد که با وجود گسترش مطالعات مرتبط، هنوز چارچوبی منسجم برای فهم ارتباط میان مؤلفه‌های مؤثر بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی به‌طور نظام‌مند صورت‌بندی نشده است. بسیاری از پژوهش‌ها، هرچند ارزشمند، بر جنبه‌هایی محدود از مسئله مانند ابزارهای حمایتی، برنامه‌های کاهش فقر، عدالت توزیعی یا ارزیابی پیامدهای سیاستی تمرکز داشته اند و کمتر به پیوند میان طراحی سیاست، ظرفیت نهادی، سازوکارهای اجرا و نظام ارزیابی توجه کرده‌اند. در چنین شرایطی، دستیابی به درکی یکپارچه از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی اهمیت می‌یابد.

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگویی مفهومی از فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی بر پایه فراترکیب مطالعات جهانی و بررسی دلالت‌های تحلیلی آن برای بستر سیاستی ایران انجام شده است. برای این منظور، از روش فراترکیب مبتنی بر الگوی ساندلوسکی و باروسو استفاده شد. در مرحله نخست، با جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های علمی، ۲۹۰ منبع انگلیسی‌زبان منتشرشده پس از سال ۲۰۰۰ شناسایی شد. پس از غربالگری چندمرحله ای، ارزیابی ارتباط موضوعی و بررسی قابلیت استفاده در تحلیل، در نهایت ۴۲ مطالعه به‌عنوان مبنای تحلیل انتخاب گردید. داده‌های استخراج‌شده از منابع منتخب از طریق کدگذاری مفاهیم و تجمیع مضامین مشابه تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش به تدوین الگویی مفهومی مشتمل بر ۵۸ مضمون پایه، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۶ مضمون فراگیر انجامید. مضامین فراگیر شناسایی‌شده شامل راهبردهای هدفمند کاهش فقر، نقش‌آفرینی ذی‌نفعان، چالش‌ها و ظرفیت‌های نهادی، ارزیابی اثربخشی سیاست ها، عدالت توزیعی و پایداری و نوآوری فناورانه و دیجیتال است. نتایج نشان می دهد که خط مشی گذاری فقرزدایی فرایندی چندبعدی است و مستلزم توجه هم‌زمان به طراحی سیاست‌ها، ظرفیت نهادی، سازوکارهای اجرایی، نظام ارزیابی و ملاحظات عدالت و پایداری است. الگوی پیشنهادی، برآمده از فراترکیب مطالعات جهانی است و در این پژوهش دلالت‌های آن در نسبت با بستر سیاستی ایران مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی، فراترکیب، حکمرانی فقرزدایی، عدالت توزیعی، نوآوری دیجیتال.

استناددهی(APA): نوروزی، مهدی و پورعزت، علی اصغر(۱۴۰۵). الگوی مفهومی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی: فراترکیبی از مطالعات جهانی و دلالت‌هایی برای ایران. *فصلنامه نگرش مدیریت راهبردی، ۴(۲)، ۹-۴۴.*
https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.30605865.1405.4.1.1.3

[۱] دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. norouzi.mehdi@ut.ac.ir

[۲] استاد، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). pourezzat@ut.ac.ir

مقدمه

فقر چندبُعدی همچنان یکی از مسائل اساسی جوامع معاصر است و در کانون مباحث توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و خط‌مشی‌گذاری عمومی قرار دارد. در دهه‌های اخیر، اگرچه بسیاری از کشورها مجموعه گسترده‌ای از برنامه‌ها و مداخلات فقرزدایی را اجرا کرده‌اند، ارزیابی‌های جهانی نشان می‌دهد که این برنامه‌ها غالباً در دستیابی به هدف‌گیری دقیق، پایداری پیامدها و ارتقای واقعی کیفیت زندگی گروه‌های محروم با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند (بانک جهانی[1]، ۲۰۲؛برنامه توسعه سازمان ملل متحد و ابتکار آکسفورد برای فقر و توسعه انسانی[2]، ۲۰۲۵). پیامدهای فقر نیز تنها به محرومیت اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه به تضعیف مشارکت اجتماعی، تشدید نابرابری‌های ساختاری، بروز اشکال جدید طرد اجتماعی و تقویت چرخه‌های نابرابری منجر می‌شود (ژو و ژو[3]، ۲۰۲۵).

در شرایط کنونی، گسترش فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی ابعاد تازه‌ای به مسئله فقر افزوده است. تجربه‌های زیسته افراد محروم اکنون می‌تواند در زمانی کوتاه در سطح ملی و حتی جهانی بازنشر شود و هم‌زمان حساسیت اجتماعی را افزایش دهد یا فشار بر سیاست‌گذاران برای اقدام سریع‌تر ایجاد کند (بانک جهانی، ۲۰۲۵). در نقطه مقابل، خط‌مشی‌گذاری مؤثر فقرزدایی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در توانمندسازی گروه‌های کم‌برخوردار، تقویت ثبات اقتصادی، کاهش مهاجرت اجباری و ارتقای سرمایه اجتماعی ایفا کند (فیزبین و شادی[4]، ۲۰۰۹). از این رو، بازاندیشی در سیاست‌ها و به‌ویژه در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی- یعنی مجموعه سازوکارهایی که از طریق آن‌ها مسائل فقر شناسایی، سیاست‌ها طراحی، اجرا و ارزیابی می‌شوند- به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که با محدودیت‌های ساختاری و نهادی بیشتری مواجه‌اند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. تمرکز بر «فرآیند» خط‌مشی‌گذاری از آن جهت اهمیت دارد که موفقیت یا ناکامی بسیاری از برنامه‌های فقرزدایی نه صرفاً به محتوای سیاست‌ها، بلکه به نحوه طراحی، هماهنگی نهادی، اجرا و ارزیابی آن‌ها وابسته است.

1 World Bank
2 UNDP & OPHI
3 Zhu & Zhu
4 Fiszbein & Schady

با وجود این ضرورت، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های فقرزدایی در بسیاری از کشورها همچنان با رویکردی نسبتاً یکسان و فاقد حساسیت کافی نسبت به شرایط نهادی و محلی تدوین می‌شوند. یافته‌های ژو و ژو (۲۰۲۵) و سون و همکاران[1] (۲۰۲۵) نشان می‌دهد که نتایج سیاست‌های مشابه در مناطق مختلف تفاوت‌های قابل‌توجهی دارد؛ تفاوت‌هایی که اغلب نه از کیفیت خود سیاست، بلکه از تفاوت‌های فرهنگی، جغرافیایی، نهادی و ظرفیت‌های محلی ناشی می‌شود. نهادهای بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارند که نادیده گرفتن ویژگی‌های اقلیمی، آسیب‌پذیری‌های محیطی و ساختارهای نهادی، یکی از دلایل بازگشت فقر و ناکامی برنامه‌هاست (بانک جهانی، ۲۰۲۴؛ برنامه توسعه سازمان ملل متحد و ابتکار آکسفورد برای فقر و توسعه انسانی، ۲۰۲۵). به‌ویژه در جوامع چندلایه و چندفرهنگی، سیاست‌گذاری مؤثر نیازمند فهم دقیق ارزش‌ها، انتظارات، ترجیحات و حساسیت‌های محلی است است (وانگ یاهونگ و همکاران[2] ، ۲۰۲۵).

وضعیت ایران نیز از این الگو مستثنی نیست. باوجود اجرای طرح‌های گسترده‌ای نظیر یارانه‌های نقدی، برنامه‌های حمایتی هدفمند و پروژه‌های توسعه روستایی، شواهد نشان می‌دهد که فقر چندبعدی در بسیاری از مناطق روستایی، مرزی و حاشیه‌نشین همچنان پایدار است (بانک جهانی، ۲۰۲۴). بخشی از این وضعیت ناشی از ضعف در هدف‌گیری، پراکندگی نهادی، فشارهای ناشی از تحریم‌ها و تغییرات اقلیمی و نیز نبود یک چارچوب مفهومی منسجم برای هدایت و هماهنگی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در سطوح مختلف حکمرانی است (سجادی و همکاران، ۲۰۱۷؛ ژو و ژو، ۲۰۲۵). بررسی ادبیات نشان می‌دهد که مطالعات موجود اغلب بر ابزارهای خاص سیاستی یا برنامه‌های حمایتی تمرکز داشته‌اند و کمتر به تبیین روابط میان مؤلفه‌های مختلف فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی- از مرحله تشخیص مسئله و طراحیخط‌مشی تا اجرا، چالش‌های نهادی و ارزیابی پیامدها- پرداخته‌اند. افزون بر این، بسیاری از این مطالعات به بررسی موردی خط‌مشی‌ها پرداخته‌اند و کمتر تلاش کرده‌اند تا از طریق ترکیب نظام‌مند یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تصویری یکپارچه از ابعاد مختلف فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی ارائه دهند.

از این رو، یکی از خلأهای مهم در ادبیات موجود، فقدان چارچوبی تحلیلی است که بتواند مؤلفه‌های گوناگون فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را در قالب الگویی مفهومی و منسجم

1 Sun et al
2 Wang Yaohong et al

صورت‌بندی کند. چنین الگویی می‌تواند با ترکیب نظام‌مند یافته‌های پژوهش‌های پیشین، تصویری جامع‌تر از نحوه تعامل میان راهبردهای کاهش فقر، نقش‌آفرینی ذی‌نفعان، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نهادی، سازوکارهای اجرا و ارزیابی و نیز ملاحظات عدالت توزیعی و پایداری ارائه دهد. در این میان، روش فراترکیب امکان آن را فراهم می‌کند که نتایج پراکنده مطالعات پیشین به‌صورت نظام‌مند تحلیل و در قالب مضامین مفهومی منسجم بازسازی شوند. بهره‌گیری از تجربه‌ها و مطالعات جهانی می‌تواند به شناسایی الگوهای مفهومی مشترک در سیاست‌گذاری فقرزدایی کمک کند؛ هرچند تفسیر و کاربرد این یافته‌ها در این پژوهش با توجه به ویژگی‌ها و اقتضائات بستر سیاستی ایران مورد توجه قرار گرفته است و ادعای ارائه یک مدل کاملاً بومی مطرح نیست.

بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی و ارائه الگویی مفهومی بر پایه ترکیب نظام‌مند مطالعات جهانی است؛ الگویی که بتواند چارچوبی تحلیلی برای فهم تعامل میان مؤلفه‌های مختلف این فرآیند فراهم آورد و دلالت‌هایی برای بازاندیشی در خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ایران ارائه کند. برای دستیابی به این هدف، پژوهش از روش فراترکیب و الگوی ساندلوسکی و باروسو[1] (۲۰۰۷) بهره می‌گیرد و به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ادبیات و تجارب جهانی کدام‌اند؟
۲. این مؤلفه‌ها چگونه در قالب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر قابل صورت‌بندی هستند؟
۳. الگوی مفهومی حاصل چه دلالت‌هایی برای بازاندیشی در خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ایران دارد؟

پیشینه پژوهش

ادبیات خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی طی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که این حوزه با عبور از رویکردهای تک‌بُعدی مبتنی بر درآمد، به سوی درکی چندلایه‌تر از فقر حرکت کرده است. نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی (۲۰۲۴)، برنامه توسعه ملل متحد (۲۰۲۳) و OPHI (۲۰۲۵) با توسعه شاخص‌های چندبُعدی، ابعاد انسانی، جنسیتی، فضایی و کالبدی فقر را

1 Sandelowski and Barroso

برجسته کرده‌اند. با این حال، بخش قابل توجهی از این ادبیات همچنان رویکردی جهان‌شمول دارد و کمتر به تنوع‌های نهادی، فرهنگی و اجتماعی که در تعیین موفقیت سیاست‌ها نقش‌محوری دارند توجه کرده است(بارینتوس، ۲۰۱۰؛ راوالیون، ۲۰۲۰). این خلأ سبب شده است که بسیاری از سیاست‌ها- به‌ویژه در جوامع ناهمگون- با وجود طراحی درست، در مرحله اجرا و سازگاری با بسترهای محلی با چالش مواجه شوند.

در کنار این مباحث کلان، مجموعه‌ای از مطالعات بر ابزارهای سیاستی متمرکز بوده‌اند. مطالعاتی مانند کودی و همکاران (۲۰۰۴) درباره سیاست‌های انتقال نقدی مشروط و منصوری و رائو[1] (۲۰۱۳) درباره توانمندسازی اجتماع‌محور، تلاش کرده‌اند کارآمدی سازوکارهای مختلف را نشان دهند. در سطح خرد نیز فریرا و همکارن[2] (۲۰۲۱) نقش نظام‌های هدف‌گذاری خانوارمحور را بررسی کرده‌اند. هرچند این مطالعات به غنای ادبیات کمک کرده‌اند، اما اغلب فقر را پدیده‌ای اقتصادی تلقی کرده و ابعاد فرهنگی، نهادی و رفتاری آن را نادیده گرفته‌اند؛ درحالی‌که یافته‌های کنبور و شافر[3] (۲۰۰۷) و گاف و همکاران[4] (۲۰۰۶) نشان می‌دهد این ابعاد در تداوم یا کاهش فقر نقشی تعیین‌کننده دارند.

از دهه گذشته، جریان جدیدی در ادبیات جهانی شکل گرفته که بر نقش ارزش‌ها، مشروعیت سیاسی، ساختارهای نهادی و ادراکات جامعه در فرایند خط‌مشی‌گذاری تأکید دارد. دورو و مک گریگور[5] (۲۰۱۴) عدالت توزیعی را شرط لازم برای پایداری سیاست‌ها می‌دانند و هیکی و سیکینگز[6] (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که بدون همراهی بستر اجتماعی و مقبولیت سیاسی، حتی سیاست‌های فنی دقیق نیز با شکست مواجه می‌شوند. مطالعات اخیر شرق آسیا نیز از جمله ژو و ژو (۲۰۲۵) و سون و همکاران (۲۰۲۵) اثبات کرده‌اند که اثر یک سیاست واحد در مناطق مختلف می‌تواند به‌شدت متفاوت باشد و این تفاوت عمدتاً ناشی از شرایط اقلیمی، فرهنگ محلی، ظرفیت نهادی و میزان مشارکت جامعه است.

در ایران نیز ادبیات قابل توجهی پیرامون خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی شکل گرفته است. بهشتی و همکاران (۲۰۲۳) در بررسی برنامه‌های کمیته امداد نشان می‌دهند که بسیاری از سیاست‌ها

1 Mansuri & Rao
2 Ferreira et al
3 Kanbur & Shaffer
4 Gough et al
5 Devereux & McGregor
6 Hickey & Seekings

با رویکردی ملی تدوین می‌شوند و انطباق کافی با تفاوت‌های محلی ندارند. سجادی و همکاران (۲۰۱۷) نیز با تمرکز بر توانمندسازی مشارکتی، عدم هماهنگی نهادی و نبود هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و غیردولتی را از دلایل اصلی کاهش اثربخشی برنامه‌ها می‌دانند. یافته‌های آن‌ها با مطالعه سومارتو و همکاران (۲۰۰۷) در اندونزی نیز هم‌پوشانی دارد؛ مطالعه‌ای که نشان می‌دهد فاصله میان سیاست‌های مرکزی و واقعیت‌های محلی، مشروعیت و پایداری مداخلات فقرزدایی را کاهش می‌دهد.

در سال‌های اخیر، چند پژوهش داخلی، تلاش کرده‌اند تصویری جامع‌تر از سیاست‌های فقرزدایی در ایران ارائه دهند.

دانایی‌فرد و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای گسترده، مجموعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای رفع فقر را استخراج کرده‌اند؛ اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر گردآوری اقدامات است و کمتر به تبیین روابط میان سطوح خط‌مشی‌گذاری و عوامل فرهنگی، نهادی و مشارکتی پرداخته شده است.

هزارجریبی و مرادی‌نژاد (۲۰۲۴) با بهره‌گیری از فراترکیب، روند پژوهش‌های فقر در ایران طی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ را تحلیل کرده‌اند. تحلیل آن‌ها نشان می‌دهد که ادبیات داخلی بیش از حد اقتصادمحور بوده و ابعاد مهمی چون تجربه زیسته فقرا، مسائل جنسیتی، نگاه‌های فرهنگی و نقش گروه‌های حاشیه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند این پژوهش تصویری ارزشمند از وضعیت مطالعات ارائه می‌کند، اما تمرکز آن بر پدیده فقر است نه بر خط‌مشی‌گذاری.

پیری و صالح‌پور (۲۰۲۵) نیز در فراترکیب مطالعات فقرزدایی در ایران نشان داده‌اند که ادبیات موجود فاقد چارچوبی است که بتواند ارتباط میان سیاست‌ها، بازیگران، نهادها، زمینه‌های فرهنگی و الگوهای مشارکت را در قالب یک مدل مفهومی روشن کند. آن‌ها ضرورت توجه به زمینه‌های نهادی و اجتماعی ایران در طراحی الگوهای سیاست‌گذاری فقرزدایی را برجسته کرده‌اند.

در سطح جهانی نیز رویکرد SDGs بار دیگر بر این نکته تأکید دارد که در کشورهایی با تنوع فرهنگی و جغرافیایی، سیاست‌های فقرزدایی باید هم‌زمان با تجربه جهانی و بسترهای محلی سازگار شوند (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۲۵). گزارش‌های اخیر این نهاد نشان

می‌دهد که سیاست‌هایی موفق‌اند که به‌جای تمرکز بر «نسخه‌های واحد»، از تحلیل‌های زمینه‌محور، مشارکت جامعه و سازوکارهای توانمندسازی بهره بگیرند.

برآیند این ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه منابع پژوهشی متعددی در حوزه فقر یا سیاست‌های فقرزدایی در ایران موجود است، اما هنوز یک مدل مفهومی جامع که بتواند ابعاد اقتصادی، نهادی، اجتماعی، فرهنگی، فناورانه و مشارکتی را در کنار هم تبیین کند و نشان دهد این عناصر چگونه بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی اثر می‌گذارند، به‌طور منسجم تدوین نشده است.

از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تحلیل نظام‌مند ادبیات پژوهشی، تلاش می‌کند چارچوبی مفهومی برای تبیین ابعاد و مؤلفه‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی استخراج کرده و دلالت‌هایی تحلیلی برای بررسی و بهبود سیاست‌های فقرزدایی در ایران ارائه دهد.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب توسعه پایدار و عدالت توزیعی

چارچوب توسعه پایدار[1]، که در سال ۲۰۱۵ با تصویب اهداف توسعه پایدار (SDGs)[2] رسمیت یافت، امروزه یکی از جامع‌ترین رویکردها برای تبیین ریشه‌های فقر و طراحی سیاست‌های مؤثر کاهش آن به‌شمار می‌آید (برنامه توسعه سازمان ملل[3]، ۲۰۲۵). این چارچوب بر سه محور اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد و کاهش همه‌جانبه فقر را به‌عنوان نخستین هدف خود مطرح می‌کند (بانک جهانی، ۲۰۲۴). در بطن این رویکرد، مفهوم عدالت توزیعی قرار دارد؛ مفهومی که هدف آن برقراری توازن در توزیع فرصت‌ها، منابع، خدمات و پیامدهای توسعه است (بارینتوس[4]، ۲۰۱۰). بر این اساس، ریشه‌کن کردن فقر زمانی امکان‌پذیر است که که سیاست‌ها بتوانند چرخه‌های بازتولید نابرابری را در سطوح ساختاری و اجتماعی کاهش دهند.

در ادبیات کلاسیک فقر نیز بر چندبعدی بودن این پدیده تأکید شده است. تاونسند[5] (۱۹۷۹) با طرح مفهوم «محرومیت نسبی» نشان می‌دهد که فقر نه‌تنها به کمبود درآمد، بلکه به ناتوانی

1 Sustainable Development Framework
2 Sustainable Development Goals
3 UNDP
4 Barrientos
5 Townsend

در دستیابی به شیوه زندگی متعارف جامعه مربوط است(الکایر و فاستر[1]، ۲۰۱۱). سن[2] (۱۹۹۹) نیز با طرح رویکرد «قابلیت‌ها» نشان می‌دهد که فقر صرفاً به کمبود درآمد محدود نمی‌شود، بلکه به محدودیت در توانایی افراد برای دستیابی به فرصت‌های اساسی زندگی مربوط است(محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). همچنین چمبرز[3] (۱۹۸۳) با طرح مفهوم «فقر مشارکتی» بر اهمیت تجربه زیسته فقرا و نقش مشارکت اجتماعی در شناخت و کاهش محرومیت تأکید می‌کند(چمبرز، ۱۹۹۵). این دیدگاه‌ها زمینه نظری مهمی برای درک پیچیدگی فقر و ضرورت طراحی سیاست‌های چندبعدی فراهم کرده‌اند.

چارچوب توسعه پایدار بر این فرض استوار است که سیاست‌های فقرزدایی در تعامل با زمینه‌های محیطی، نهادی و فرهنگی شکل می‌گیرند و موفقیت آن‌ها نیز به میزان سازگاری با این بسترها وابسته است (برنامه توسعه سازمان ملل متحد و ابتکار آکسفورد برای فقر و توسعه انسانی، ۲۰۲۵). تفاوت در تاریخچه توسعه، ظرفیت حکمرانی، شرایط اقلیمی و ساختارهای اقتصادی سبب می‌شود که نتایج سیاست‌ها در مناطق مختلف یکسان نباشد (کودی و همکاران[4]، ۲۰۰۴).

از این منظر، توسعه پایدار صرفاً یک دستورکار کلان جهانی نیست، بلکه ابزاری تحلیلی است که به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌کند محدودیت‌ها، رفتارها و ظرفیت‌های محلی را درک کرده و خط‌مشی‌های متناسب با واقعیت‌های اجتماعی را طراحی کنند. با این حال، برخی پژوهشگران اشاره کرده‌اند که رویکردهای جهانی توسعه پایدار گاه با فرض‌های نسبتاً جهان‌شمول طراحی می‌شوند و ممکن است در صورت بی‌توجهی به تفاوت‌های نهادی و فرهنگی کشورها با محدودیت‌هایی در مرحله اجرا مواجه شوند (بارینتوس، ۲۰۱۰؛ راوالیون[5]، ۲۰۲۰). ازاین‌رو، توجه به زمینه‌های اجتماعی و نهادی در تحلیل سیاست‌های فقرزدایی اهمیت ویژه‌ای دارد.

عناصر کلیدی این چارچوب شامل پویایی‌های اقلیمی، کارآمدی نهادی، مشارکت اجتماعی، نوآوری فناورانه، شاخص‌های چندبعدی فقر و ظرفیت‌های بومی است (ژو و ژو، ۲۰۲۵). این عناصر نه‌تنها در تبیین چرایی تفاوت نتایج سیاست‌ها نقش دارند، بلکه به خط‌مشی‌گذاران

1 Alkire & Foster
2 Sen
3 Chambers
4 Coady et al
5 Ravallion

امکان می‌دهند تا سیاست‌هایی پایدارتر و چندلایه‌تر طراحی کنند. از این رو، بسیاری از پژوهشگران توسعه بر این باورند که توسعه پایدار نوعی نظام اجتماعی- اقتصادی است که از طریق نهادها و بازارها میان نیازهای زندگی روزمره و منابع مادی و معنایی جامعه پیوند برقرار می‌کند (بانک جهانی، ۲۰۲۵).

با حرکت جهان به سمت اقتصادهای دیجیتال و تغییرات اقلیمی فزاینده، این چارچوب نیز خود را با تحولات جدید سازگار کرده است. بارینتوس (۲۰۱۰) در همین زمینه یادآور می‌شود که در کشورهای درحال‌توسعه، هسته این نظام بر ترکیب سه عنصر استوار است: حمایت اجتماعی، توانمندسازی و حفاظت محیطی. از این منظر، هدف‌گیری دقیق، مشارکت جامعه و بهره‌گیری از فناوری به‌عنوان سه ستون اصلی خط‌مشی‌گذاری پایدار در حوزه فقرزدایی شناخته می‌شوند.

در ادبیات کلاسیک مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی، فرآیند خط‌مشی‌گذاری معمولاً به صورت یک چرخه نظام‌مند و مرحله‌بندی‌شده صورت‌بندی می‌شود. برای نمونه، الوانی و شریف‌زاده (۱۳۷۹) این فرآیند را در قالب شش مرحله شامل: «شناخت و تبیین مسئله عمومی»، «ارجاع و طرح مسئله در سازمان‌های عمومی»، «تهیه و تدوین خط‌مشی»، «قانونی‌سازی و مشروعیت‌بخشی»، «ابلاغ و اجرا» و در نهایت «ارزیابی خط‌مشی اجراشده» تبیین می‌کنند. این چرخه کلاسیک، چارچوبی کلی برای درک چگونگی تبدیل یک مسئله اجتماعی به اقدام و مداخله دولتی فراهم می‌آورد.

با این حال، در حوزه‌های تخصصی همچون فقرزدایی، این الگوی عمومی نیازمند بازتعریف و انطباق با پیچیدگی‌های موضوعی است. برای نمونه، ژو و ژو (۲۰۲۵) فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را در قالب چرخه‌ای چهار مرحله‌ای شامل «شناخت مسئله»، «هدف‌گیری سیاست»، «اجرا» و «ارزیابی» ارائه می‌کنند. با وجود این تلاش‌ها، چارچوب‌های موجود غالباً بر برخی ابعاد خاص این فرآیند تمرکز دارند و کمتر به برهم‌کنش ابعاد گوناگون سیاستی در قالب یک ساختار یکپارچه پرداخته‌اند. از این رو، هنوز الگویی جامع که بتواند ابعاد مختلف خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را در قالب یک فرآیند منسجم و یکپارچه تبیین کند، به‌طور کامل توسعه نیافته است.

پژوهش حاضر با اتکا به روش فراترکیب، می‌کوشد فراتر از چارچوب‌های تک‌بعدی حرکت کرده و مدل مفهومی خود را نه بر مبنای یک الگوی پیش‌فرض، بلکه از طریق ترکیب و تحلیل

نظام‌مند یافته‌های مطالعات پیشین استخراج نماید؛ به‌گونه‌ای که عناصر مستخرج از تجربه‌های متنوع، در قالب یک فرآیند منسجم خط‌مشی‌گذاری بازصورت‌بندی شوند.

استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر

با پیچیده‌تر شدن ماهیت فقر چندبُعدی، طراحی استراتژی‌های هدفمند و مبتنی بر شواهد ضرورتی انکارناپذیر پیدا کرده است. سیاست‌های فقرزدایی از منظر خط‌مشی‌گذاری دو بُعد مکمل دارند:

۱. بعد فنی شامل هدف‌گیری، طراحی سازوکارهای توزیع منابع و برقراری نظام ارزیابی، و
۲. بعد عملیاتی شامل اجرا، مشارکت اجتماعی، بازخوردگیری و تطبیق‌پذیری سیاست‌ها (فیزباین و شادی، ۲۰۰۹).

ژو و ژو (۲۰۲۵)، استراتژی‌های کاهش فقر را به دو دسته مالی و غیرمالی تقسیم‌بندی می‌کنند. راهبردهای مالی شامل پرداخت‌های نقدی مشروط، یارانه‌های هدفمند، حمایت از معیشت و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های محلی است. در مقابل، راهبردهای غیرمالی به حوزه‌هایی مانند توانمندسازی اجتماعی، توسعه سرمایه انسانی، بهبود زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی و تقویت شبکه‌های امنیت اجتماعی می‌پردازند. بانک جهانی (۲۰۲۴) نیز تأکید دارد که مؤثرترین سیاست‌ها آن‌هایی هستند که این دو نوع راهبرد را در قالب بسته‌های تلفیقی به‌کار می‌گیرند.

کودی و همکاران (۲۰۰۴) طی پژوهشی کلاسیک نشان می‌دهند که هدف‌گیری دقیق- از طریق روش‌های جغرافیایی، خودگزینی، شاخص‌های جایگزین و مشارکت جامعه- نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی برنامه‌ها دارد. اما ادبیات جدید حوزه فقر، عناصر نوظهوری را نیز به استراتژی‌های هدفمند افزوده است، از جمله:

- مشارکت فعال جامعه و مداخله‌گری محلی (اوسی- کوفور و کومسون[1]، ۲۰۱۴)،
- توانمندسازی زنان و گروه‌های حاشیه‌ای (نیومان، سومارمی و ادریس[2]، ۲۰۲۴)،
- تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های بزرگ و ارزیابی‌های شبه‌تجربی (ژو و ژو، ۲۰۲۵)،
- نوآوری دیجیتال، بلاکچین، سیستم‌های هوشمند و کشاورزی دیجیتال (میلاد پیرا، گریگوری فلیت و رابرت مویر[3]، ۲۰۲۴)،

1 Osei-Kufuor & Koomson
2 Nyoman Ruja, Sumarmi and Idris
3 Milad Pira, Gregory Fleet and Robert Moir

- عدالت اقلیمی و تاب‌آوری در برابر مخاطرات محیطی (برنامه توسعه سازمان ملل متحد و ابتکار آکسفورد برای فقر و توسعه انسانی، ۲۰۲۵).

با تلفیق یافته‌های موجود، می‌توان استراتژی‌های هدفمند فقرزدایی را در سه گروه اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. راهبردهای مالی: انتقال نقدی، یارانه‌ها، حمایت از معیشت، سرمایه‌گذاری‌های هدفمند

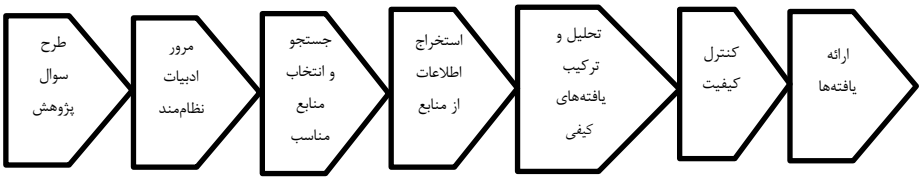
۲. راهبردهای اجتماعی: توانمندسازی، مشارکت جامعه، ظرفیت‌سازی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر

۳. راهبردهای فناورانه: سامانه‌های دیجیتال، فناوری‌های هوشمند، داده‌بانی، الگوریتم‌های هدف‌گیری و ابزارهای شفافیت.

این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی امروز تنها زمانی مؤثر است که بتواند منابع مالی، ظرفیت‌های اجتماعی و توانمندی‌های فناورانه را در یک چارچوب یکپارچه به‌کار گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر روش **فراترکیب**[1] است. این روش با هدف فراتر رفتن از مطالعات موردی و تجمیع نظام‌مند یافته‌های کیفی، امکان دستیابی به یک الگوی مفهومی جامع در حوزه فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را فراهم می‌سازد. گام‌های این پژوهش بر اساس رویکرد هفت‌مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (2007) طراحی و اجرا شده است (شکل ۱).



شکل ۱. گام‌های فراترکیب براساس روش هفت مرحله‌ای (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷)

تنظیم پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های تحقیق به‌منظور هدایت فرآیند استخراج مضامین و با تمرکز بر «فرآیند خط‌مشی‌گذاری» (نه صرفاً محتوای خط‌مشی‌ها) به شرح زیر تدوین شدند:

[1] Meta-synthesis

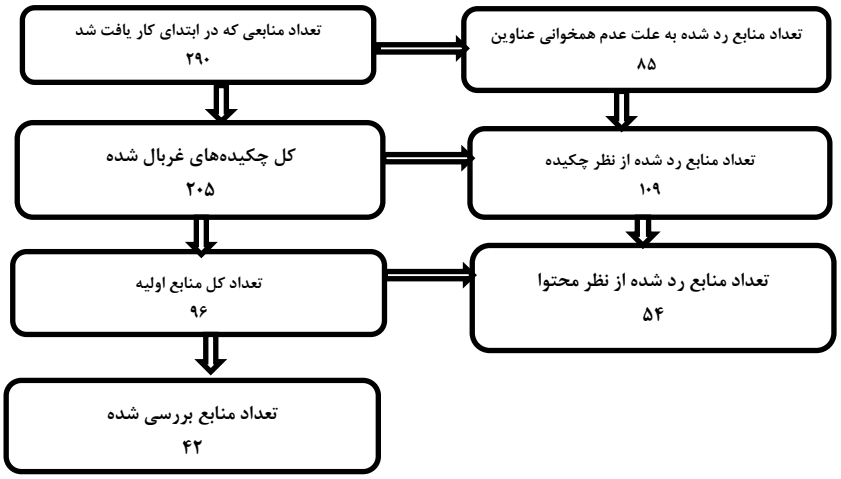
۱. مؤلفه‌ها و ابعاد کلیدی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ادبیات جهانی کدام‌اند؟
۲. دلالت‌های سیاستی این مؤلفه‌ها برای بازاندیشی در ساختار خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ایران چیست؟

جست‌وجو و غربالگری نظام‌مند (نمودار PRISMA)

فرآیند انتخاب منابع بر اساس استاندارد PRISMA انجام شد. جست‌وجو در پایگاه‌های علمی معتبر از جمله Scopus، ScienceDirect، Springer، Wiley و Google Scholar اقدام به گردآوری مقالات مرتبط کردند.

کلیدواژه‌های اصلی شامل *Poverty Reduction Policy, Poverty Reduction Policy Process, Anti-poverty Strategy, Social Protection, Poverty Alleviation, Governance and Poverty, Policy Implementation, Policymaking Process* بود.

مطابق شکل ۲، از میان ۲۹۰ منبع اولیه، در نهایت ۴۲ منبع که دارای بالاترین قرابت موضوعی با فرآیند خط‌مشی‌گذاری بودند، انتخاب شدند. در این فرآیند، منابع ابتدا از نظر عنوان و کلیدواژه، سپس از نظر چکیده و در نهایت از نظر متن کامل ارزیابی شدند و منابع تکراری، نامرتبط یا فاقد تمرکز بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی از تحلیل کنار گذاشته شدند.



شکل ۲. نمودار جریان انتخاب منابع بر اساس استاندارد PRISMA

در این پژوهش، انتخاب منابع با هدف استخراج مؤلفه‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ادبیات جهانی انجام شد. از این‌رو، برای مرحله فراترکیب و تحلیل مضمون، منابع انگلیسی‌زبان منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ که به‌طور مستقیم به خط‌مشی‌گذاری فقر و حکمرانی فقر پرداخته‌اند، به عنوان مبنای تحلیل انتخاب شدند.

در کنار این منابع، برخی مقالات فارسی و اسناد سیاستی مرتبط با حوزه فقر در ایران نیز مورد بررسی قرار گرفتند. این منابع نه در فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین، بلکه در مرحله تفسیر یافته‌ها و زمینه‌مندسازی مدل مفهومی مورد استفاده قرار گرفتند تا دلالت‌های سیاستی چارچوب پیشنهادی در بستر نهادی ایران بهتر تبیین شود.

جدول ۱: معیارهای ورود و خروج منابع در مرحله فراترکیب و کدگذاری (منبع: نویسندگان پژوهش)

شاخص‌ها	معیار پذیرش	معیار عدم پذیرش
موضوع مورد مطالعه	فرآیند خط‌مشی‌گذاری، حکمرانی فقر و استراتژی‌های کاهش فقر	مطالعات غیرمرتبط یا فاقد رویکرد سیاست‌گذاری
زمان تحقیقات	مطالعات منتشرشده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵	مطالعات پیش از سال ۲۰۰۰
زبان تحقیقات	انگلیسی	غیرانگلیسی در مرحله کدگذاری
محدوده جغرافیایی	مطالعات جهانی، منطقه‌ای و ملی دارای قابلیت تحلیل مفهومی	مطالعات صرفاً محلی فاقد قابلیت تعمیم مفهومی
روش شناسی	مطالعات دارای چارچوب روش‌شناختی مشخص	مطالعات فاقد روش‌شناسی روشن
نوع سند	مقالات علمی و گزارش‌های معتبر بین‌المللی	منابع غیرعلمی، خبری یا فاقد اعتبار پژوهشی

با توجه به گستردگی ادبیات نظری و تجربی خط‌مشی‌گذاری فقر در پایگاه‌های بین‌المللی، تمرکز مرحله فراترکیب بر منابع انگلیسی‌زبان قرار گرفت تا امکان استخراج چارچوب‌های مفهومی رایج در ادبیات جهانی فراهم شود. البته این انتخاب ممکن است نوعی محدودیت زبانی ایجاد کند؛ ازاین‌رو برای کاهش این محدودیت، اسناد سیاستی و مطالعات فارسی مرتبط با فقر از جمله برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس در زمینه فقر و گزارش‌های مرکز آمار در ایران در مرحله تفسیر و زمینه‌مندسازی نتایج مورد استفاده قرار گرفتند. لازم به ذکر است که در این پژوهش، فرآیند تطبیق مدل جهانی با بستر ایران از طریق روش تفسیر تطبیقی[1] انجام شده است. بدین‌منظور، پس از استخراج مفاهیم و مضامین

1 Comparative Interpretation

از منابع جهانی، این مضامین در مرحله بحث و نتیجه‌گیری در مواجهه با محتوای اسناد بالادستی (مانند سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی و برنامه‌های توسعه) و پیشینه پژوهشی داخلی، بازخوانی و صورت‌بندی شدند تا دلالت‌های سیاستی مدل برای محیط اداری و نهادی ایران شفاف گردد.

فرآیند تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. در این مرحله، متون نهایی شده طی سه مرحله کدگذاری شدند:

۱. کدگذاری باز[1]: استخراج کدهای اولیه و مضامین پایه از متون مطالعات.

۲. کدگذاری محوری[2]: سازماندهی مفاهیم در قالب مضامین فراگیر و شناسایی روابط بین آن‌ها.

۳. کدگذاری انتخابی[3]: یکپارچه‌سازی مضامین و تدوین چارچوب مفهومی.

تحلیل داده‌ها توسط دو کدگذار مستقل انجام شد تا از صحت و دقت فرآیند کدگذاری اطمینان حاصل شود. میزان توافق میان کدگذاران با استفاده از ضریب کاپای کوهن اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که مقدار ضریب کاپا ۰.۷۸ با سطح معناداری ۰.۰۴ است که بیانگر پایایی بالا و توافق قابل قبول در فرآیند کدگذاری است(کوهن، ۱۹۶۰). همچنین برای بررسی پایداری مضامین، کدها و مضامین اصلی در چند نوبت بازبینی و با حذف موقت مطالعات پرارجاع، ثبات ساختار مفهومی کنترل شد.

یافته‌های پژوهش

به منظور شناسایی مؤلفه‌های فرایند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی، ۵۸ کد به عنوان مضامین پایه استخراج شد. از میان این مضامین پایه، ۱۸ کد به عنوان مضامین سازمان‌دهنده انتخاب گردید. تحلیل فراترکیب این مضامین، منجر به شناسایی ۶ مضمون فراگیر شد که چارچوب مفهومی نهایی پژوهش را تشکیل این مضامین فراگیر عبارت‌اند از: «استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر»، «توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان»، «چالش‌های نهادی و زمینه‌ای»، «ارزیابی اثربخشی و روش‌شناختی»، «عدالت توزیعی و پایداری» و «نوآوری فناورانه و دیجیتال» شناسایی و تشکیل شدند.

1 Open Coding
2 Axial Coding
3 Selective Coding

برای شفاف‌سازی مسیر تبدیل داده‌ها به مضامین، قبل از ورود به جدول نهایی، نمونه کدهای توصیفی مستخرج از متون مطالعات منتخب تبیین می‌شود.

جدول ۲: نمونه کدهای توصیفی (اولیه) مستخرج از منابع منتخب (منبع: نویسندگان پژوهش)

گزاره‌های متون منابع منتخب	کدهای توصیفی
«برنامه‌های انتقال نقدی مشروط عموماً در کاهش فقر و تشویق والدین به سرمایه‌گذاری در سلامت و آموزش فرزندانشان موفق بوده‌اند»(فیزباین و شادی، ۲۰۰۹)	پرداخت‌های شرطی برای بهبود سلامت و آموزش
«با افزایش سطح نابرابری درآمدی، اهمیت و عملکرد هدفمندسازی در مداخلات ضد فقر تقویت می‌شود که این موضوع نشان‌دهنده نقش تخصیص هدفمند منابع در کاهش شکاف‌های درآمدی است»(کودی و همکاران، ۲۰۰۴).	بازتوزیع منابع برای کاهش نابرابری درآمدی
«اجرای سیاست‌های فقرزدایی هدفمند (TPA) موجب افزایش سطح درآمد ساکنان مناطق روستایی، کاهش شکاف درآمدی و پیوند سیاست‌های فقرزدایی با راهبرد احیای روستایی می‌شود»(لی و لی[1]، ۲۰۲۱).	توسعه روستایی و بهبود معیشت از طریق سیاست‌های حمایتی
«مشارکت بازیگران و دیدگاه آنان در حکمرانی فقرزدایی نقش برجسته‌ای دارد و انگیزه قوی برای کاهش فقر ایجاد می‌کند»(موستاری و همکاران، ۲۰۲۴).	نقش بازیگران و مشارکت ذی‌نفعان
«اثرات سیاست در شهرستان‌های اقلیت قومی به‌طور معناداری قوی‌تر است و این امر ناشی از سرمایه‌گذاری تاریخی ناکافی و توجه محدود پیشین به این مناطق به دلیل هزینه‌های اجراست؛ بنابراین، ارائه مداخلات مشابه در این مناطق بازده توسعه‌ای بیشتری ایجاد می‌کند»(ژو و ژو، ۲۰۲۵)	اثر بیشتر در مناطق اقلیت به دلیل عقب‌ماندگی

در ادامه، مضامین فراگیر استخراج‌شده به‌طور نظام‌مند تحلیل می‌شوند و روابط متقابل آن‌ها در زمینه اجتماعی و نهادی ایران تبیین می‌شود.

مضمون فراگیر ۱: استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر

یکی از پرتکرارترین و محوری‌ترین مفاهیم در منابع بررسی‌شده، استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر بود. این استراتژی‌ها به روش‌ها و برنامه‌هایی اطلاق می‌شوند که دولت‌ها و سازمان‌ها برای کاهش ابعاد چندبعدی فقر شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌کار می‌گیرند (بانک جهانی، ۲۰۲۴).

تحلیل فراترکیب نشان داد که این استراتژی‌ها عمدتاً در دو دسته مالی و غیرمالی قابل تقسیم هستند و هر دو دسته به‌طور مستقیم به توانمندسازی پایدار جمعیت هدف منجر می‌شوند.

1 Li & Li

اثربخشی این راهبردها به شدت به ویژگی‌های زمینه‌ای نظیر ساختار صنایع، سطح توسعه مالی و سرمایه اجتماعی بستگی دارد (ژو و ژو، ۲۰۲۵؛ سامرتو و همکاران، ۲۰۰۷).

در بستر ایران، اجرای این استراتژی‌ها باید با ملاحظات بومی و نهادی هماهنگ شود. به طور مثال، چارچوب‌های سنتی و نهادی مانند نظام زکات، فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و ساختارهای روستایی متمرکز، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت سیاست‌ها ایفا می‌کنند (بهشتی و همکاران، ۲۰۲۳؛ سجادی و همکاران، ۲۰۱۷). چنین تطبیقی با زمینه‌های بومی، امکان افزایش کارآمدی و پایداری برنامه‌های کاهش فقر را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود که مداخلات سیاستی با نیازها و ظرفیت‌های محلی سازگارتر باشند.

جدول ۳: مضمون فراگیر ۱: استراتژی‌های هدفمند کاهش فقر (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
استراتژی‌های مالی	انتقال نقدی مشروط[1]	پرداخت‌های شرطی برای بهبود سلامت و آموزش (فیزباین و شادی، ۲۰۰۹).
	انتقال نقدی بدون شرط[2]	حمایت نقدی فوری در شرایط بحرانی و شوک‌های اقتصادی، مخصوصاً برای خانوارهای فاقد ظرفیت پاسخ‌دهی (ون دالین و همکاران[3]، ۲۰۲۲).
	یارانه هدفمند	بازتوزیع منابع برای کاهش نابرابری درآمدی (کودی و همکاران، ۲۰۰۴).
	سرمایه‌گذاری مستقیم	افزایش بهره‌وری کشاورزی از طریق فناوری (لی و لی[4]، ۲۰۲۱).
استراتژی‌های غیرمالی	احیای روستایی	پنج ستون کلیدی: صنعتی، استعدادها، فرهنگی، اکولوژیکی، سازمانی (وانگ یاهونگ و همکاران، ۲۰۲۵).
	توسعه ظرفیت محلی و آموزش مهارت‌ها	تمرکز بر آموزش و مهارت‌آموزی برای خروج پایدار از فقر (اوسی- کافور و کمسون، ۲۰۱۴).
	حمایت سفارشی و دقیق	حمایت سفارشی از خانوارهای فقیر[5] (وانگ یاهونگ و همکاران، ۲۰۲۵).
	تقویت معیشت روستایی	توسعه روستایی و بهبود معیشت از طریق سیاست‌های حمایتی (لی و لی، ۲۰۲۱؛ لی و همکاران، ۲۰۲۴).

1 CCT
2 UCT
3 van Daalen et al
4 Li & Li
5 Precision Poverty Alleviation

مضمون فراگیر ۲: توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان

دومین مضمون فراگیر پژوهش، به نقش محوری توانمندسازی و مشارکت جامعه‌مدار ذی‌نفعان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی می‌پردازد. این مضمون فراتر از رویکرد سنتی متمرکز بر دولت است و بر ضرورت درگیر کردن ذی‌نفعان در تمامی مراحل طراحی، اجرا و پایش سیاست‌ها تأکید می‌کند(کورنوال[1]، ۲۰۰۰).

تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد که توانمندسازی، از طریق مشارکت جمعی، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی، اثرگذاری و پایداری بلندمدت مداخلات فقرزدایی را افزایش می‌دهد (ابرلی[2]، ۲۰۰۷؛ مک‌گی[3]، ۲۰۰۰). ر ایران نیز، مطالعات موردی مربوط به کمیته امداد و برنامه‌های مشارکتی روستایی، مشارکت فعال ذی‌نفعان و توانمندسازی گروه‌های هدف را به‌عنوان عوامل کلیدی موفقیت سیاست‌ها معرفی کرده‌اند (بهشتی و همکاران، ۲۰۲۳؛ سجادی و همکاران، ۲۰۱۷).

با این حال، تحلیل فراترکیب نشان می‌دهد که عدم توازن قدرت میان ذی‌نفعان و ضعف سازوکارهای پاسخگویی، از مهم‌ترین موانع تحقق کامل این مضمون در ایران به‌شمار می‌رود (موستاری و همکاران[4]، ۲۰۲۴).

جدول ۴: مضمون فراگیر ۲: توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
مشارکت جامعه محلی	مشارکت در طراحی سیاست	درگیر کردن ذی‌نفعان محلی در فرآیند اصلاحات خط‌مشی از طریق کارگاه‌های مشارکتی و میزگردهای سیاستی(کارل و همکاران[5]، ۲۰۰۲).
	مشارکت در اجرا و پایش	نقش فعال جامعه مدنی در اجرای برنامه‌ها و پایش شفافیت از طریق نظارت اجتماعی (موانگی و همکاران[6]، ۲۰۲۵).

1 Cornwall
2 Eberlei
3 McGee
4 Mustari et al
5 Karl et al
6 Mwangi et al

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
	نقش‌های چندگانه مشارکت	تمایز بین نقش ذی‌نفع[1]، مصرف‌کننده[2] و شهروند[3] در تعامل با سیاست‌ها(کورنوال، ۲۰۰۰).
	مشارکت نسل جوان	نقش بازیگران و مشارکت ذینفعان (موستاری و همکاران، ۲۰۲۴).
توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر	توانمندسازی زنان	تمرکز بر آموزش و اشتغال زنان برای خروج از چرخه فقر (روجا و همکاران[4]، ۲۰۲۴).
	حمایت از اقلیت‌ها	اثر بیشتر در مناطق اقلیت به دلیل عقب‌ماندگی(ژو و ژو، ۲۰۲۵).
	خودکفایی مددجویان	به جای وابستگی، تمرکز بر خودکفایی(بهشتی و همکاران، ۲۰۲۳).
	حمایت از حاشیه‌نشینان	تمرکز بر برنامه‌های حمایتی برای اقلیت‌ها، مهاجران و گروه‌های آسیب‌پذیر (افندی و همکاران[5]، ۲۰۲۴).
هماهنگی چندجانبه	حاکمیت مشارکتی	ایجاد ساختارهای چندشریکی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی با توازن قدرت (موستاری و همکاران، ۲۰۲۴).
	سازوکارهای پاسخگویی	نظارت همگانی بر عملکرد نهادهای اجرایی از طریق گزارش‌دهی عمومی (ابرلی، ۲۰۰۷).

مضمون فراگیر ۳: چالش‌های نهادی و زمینه‌ای

سومین مضمون فراگیر به موانع ساختاری و بستری می‌پردازد که فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه با پیچیدگی مواجه می‌سازد. این چالش‌ها شامل عوامل سیاسی، نهادی و محیطی هستند که می‌توانند اثربخشی استراتژی‌های فقرزدایی را تقویت یا تضعیف کنند (زین و همکاران[6]، ۲۰۲۱).

تحلیل فراترکیب نشان می‌دهد که اراده سیاسی پیش‌شرط لازم اما ناکافی برای موفقیت سیاست‌ها است و بدون هماهنگی نهادی و شفافیت در تخصیص منابع، اثرگذاری سیاست‌ها

1 beneficiary
2 consumer
3 citizen
4 Ruja et al
5 Affandi et al
6 Zain et al

محدود خواهد بود. همچنین، شوک‌های خارجی نظیر تغییرات اقلیمی و بحران‌های اقتصادی و بهداشتی، از مهم‌ترین چالش‌های محیطی محسوب می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۲۴؛ برنامه توسعه سازمان ملل و ابتکار آکسفورد برای فقر و توسعه انسانی، ۲۰۲۵).

مطالعات موردی ایران نیز بر ناهماهنگی بین نهادهای حمایتی و فقدان یکپارچگی سیاست‌گذاری تأکید دارند (بهشتی و همکاران، ۲۰۲۳). این یافته به‌خوبی با چالش‌های احصاشده در گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین بند ۱ سیاست‌های کلی رفاه و تأمین اجتماعی (ابلاغی ۱۴۰۱) که بر استقرار نظام یکپارچه و چندلایه تأمین اجتماعی تأکید دارد، هم‌راستاست. ناهماهنگی‌های نهادی اشاره‌شده در مدل، با واقعیت‌های موجود در ساختار سیاست‌گذاری رفاهی ایران که از تکثر نهادهای حمایتی (کمیته امداد، سازمان بهزیستی و ...) رنج می‌برد، انطباق تحلیلی دارد.

جدول ۵: مضمون فراگیر ۳: چالش‌های نهادی و زمینه‌ای (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
عوامل سیاسی	اراده سیاسی و حمایت رهبری	تعهد سیاسی سطوح عالی برای تخصیص منابع و اولویت‌دهی به فقرزدایی (زین و همکاران، ۲۰۲۱).
	عدم خودکفایی و چرخه فقر	مددجویان در چرخه فقر و وابسته باقی می‌مانند بدون خروج پایدار (بهشتی و همکاران، ۲۰۲۳).
	پایداری سیاست‌ها	تغییرات مدیریتی و نبود استراتژی بلندمدت به‌عنوان تهدید پایداری سیاست‌ها (بانک جهانی، ۲۰۲۰).
محدودیت‌های نهادی	عدم هماهنگی بین‌سازمانی	تداخل وظایف و نبود سازوکارهای هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی (موستاری و همکاران، ۲۰۲۴).
	ضعف ظرفیت اجرایی	ناکافی بودن نیروی متخصص و زیرساخت‌های اطلاعاتی برای اجرای دقیق(سومارتو و همکاران[1]، ۲۰۰۷).
تهدیدات محیطی	تغییرات اقلیمی	همپوشانی فقر و مخاطرات آب‌وهوایی که معیشت فقرا را تهدید می‌کند(برنامه توسعه سازمان ملل و OPHI، ۲۰۲۵).
	شوک‌های اقتصادی و بهداشتی	تأثیر بحران‌هایی مانند COVID-19 در افزایش فقر و لزوم سیاست‌های مقاومتی (بانک جهانی، ۲۰۲۴).

1 Sumarto et al

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
	آسیب‌پذیری شهری	عوامل تشدیدکننده فقر در مناطق شهری شامل بیکاری، مهاجرت و گرانی مسکن(بانک جهانی، ۲۰۲۴).
	ناهمگنی منطقه‌ای	اثر متفاوت در مناطق پرجمعیت و اقلیت(ژو و ژو، ۲۰۲۵).

مضمون فراگیر ۴: ارزیابی اثربخشی و روش‌شناختی

چهارمین مضمون فراگیر به روش‌های سنجش و ارزیابی پیامدهای سیاست‌های فقرزدایی اختصاص دارد و می‌توان گفت بیشترین ارتباط را با روش فراترکیب دارد. در دوران معاصر، انتقاد از رویکردهای سنتی ارزیابی، که محدود به معیارهای پولی بودند، افزایش یافته و ضرورت رویکردهای چندبعدی و ترکیبی برجسته شده است (راوالیون[1]، ۲۰۰۵).

تحلیل فراترکیب نشان می‌دهد که روش‌های نوین همچون تجزیه‌وتحلیل شاپلی[2]، برای تفکیک اثرات رشد درآمد و تعدیل شکاف، و مدل‌های یادگیری ماشین برای شناسایی مسیرهای توسعه خانوار، ابزارهای مناسبی هستند که در بستر ایران قابل استفاده‌اند (لی و لی، ۲۰۲۱؛ جای و همکاران[3]، ۲۰۲۵). علاوه بر این، روش‌های شبه‌تجربی مانند PSM-DID برای ارزیابی اثرات کلان‌اقتصادی سیاست‌ها، رو به گسترش است (ژو و ژو، ۲۰۲۵).

جدول ۶: مضمون فراگیر ۴: ارزیابی اثربخشی و روش‌شناختی (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
روش‌های ارزیابی کمی	روش PSM-DID	روش‌های شبه‌تجربی برای اندازه‌گیری تأثیر(ژو و ژو، ۲۰۲۵)
	تجزیه تحلیل شاپلی	تفکیک سهم رشد درآمد (۹۲.۷۸٪) و تعدیل شکاف در کاهش فقر با دقت بالا(لی و لی، ۲۰۲۱).
	یادگیری ماشین	شناسایی مسیرهای توسعه خانوارهای روستایی بر اساس ارتقای مهارت و شبکه امنیتی (جای و همکاران، ۲۰۲۵).
روش‌های ارزیابی	ارزیابی مشارکتی	درگیر کردن ذی‌نفعان در تعریف معیارهای موفقیت و

1 Ravallion
2 Shapley
3 Jia et al

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
کیفی-ترکیبی		گردآوری داده‌های زنده (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۳).
	روش‌شناسی مختلط	ترکیب داده‌های کمّی و کیفی برای درک پیچیدگی پیامدهای بهداشتی(ون دالین و همکاران، ۲۰۲۲).
ارزیابی چندبعدی و بلندمدت	شاخص‌های چندبعدی	اندازه‌گیری وسعت، عمق، شدت فقر (برنامه توسعه سازمان ملل و OPH، ۲۰۲۵).
	ارزیابی بلندمدت	کمبود در مطالعات بلندمدت و تاب‌آوری اقلیمی (وانگ یاهونگ و همکاران، ۲۰۲۵).
	ارزیابی تأثیر	استفاده از روش‌های تجربی برای اندازه‌گیری تأثیر(بانک جهانی، ۲۰۰۵).
	تحلیل ناهمگنی	ناهمگنی منطقه‌ای، اقلیت و تراکم جمعیت (ژو و ژو، ۲۰۲۵).
	اندازه‌گیری فقر پویا	رصد تغییرات فقر در طول زمان با داده‌های پانل و پیش‌بینی‌ها (بانک جهانی، ۲۰۲۵).

مضمون فراگیر ۵: عدالت توزیعی و پایداری

این مضمون به آمادگی‌های پیش از کاهش فقر و ترتیباتی می‌پردازد که دولت‌ها باید قبل از اجرای سیاست‌ها فراهم کنند تا بتوانند با چالش‌ها به‌طور مؤثر مواجه شوند. این اقدامات شامل رعایت اصول عدالت توزیعی و تمرکز بر پایداری اقتصادی و اجتماعی است (بارینتوس، ۲۰۱۰؛ بانک جهانی، ۲۰۲۵).

پنجمین مضمون فراگیر بر لزوم هم‌افزایی بین حمایت اجتماعی و عدالت توزیعی تأکید دارد و نشان می‌دهد که سیاست‌های مقطعی و بدون چشم‌انداز بلندمدت ممکن است به بازتولید فقر منجر شوند (پو و بندر[1]، ۲۰۲۲). تحلیل فراترکیب حاکی است که نظام‌های حمایتی سه‌ستونی شامل فقره، بیمه و سهمیه، و همچنین ادغام انتقال نقدی با خدمات بهداشتی و آموزشی، می‌توانند نتایج مؤثرتری نسبت به رویکردهای مجزا داشته باشند (وانگ و همکاران[2]، ۲۰۲۴؛ بارینتوس، ۲۰۱۰).

1 Pouw & Bender
2 Wang et al

در بستر ایران، این مضمون به معنای یکپارچه‌سازی سازوکارهای حمایتی شامل کمیته امداد، سازمان تأمین اجتماعی و سایر تأمین‌کنندگان خصوصی است تا تأثیر سیاست‌های فقرزدایی به شکل بلندمدت و پایدار تضمین شود. این رویکرد با جهت‌گیری‌های کلان در اسناد توسعه‌ای ایران، به‌ویژه در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تأکید بر عدالت‌محوری در توزیع منابع، پیوند راهبردی دارد و نشان می‌دهد که مدل استخراج‌شده می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب مفهومی برای عملیاتی‌سازی عدالت توزیعی در نهادهای حمایتی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۷: مضمون فراگیر ۵: عدالت توزیعی و پایداری (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
عدالت توزیعی	عدالت درک‌شده	ادراک از عدالت از طریق بخشش عاطفی بر بخشش رفتاری تأثیر می‌گذارد(افندی و همکاران، ۲۰۲۴).
	برابری در توزیع	وقتی جبران خسارت اضافی ارائه می‌شود، ادراک از برابری افزایش می‌یابد(سومرتو و همکاران، ۲۰۰۷).
	کاهش شکاف درآمدی	بازتوزیع منابع برای کاهش نابرابری درآمدی(کودی و همکاران، ۲۰۰۴).
	عدالت زیست‌محیطی	توزیع منصفانه منابع در مواجهه با تغییرات اقلیمی(برنامه توسعه سازمان ملل و OPHI، ۲۰۲۵).
حمایت اجتماعی یکپارچه	نظام سه‌ستونی	ترکیب فقره، بیمه و سهمیه برای کاهش فقر چندبعدی(وانگ و همکاران، ۲۰۲۴).
	هم‌افزایی نقدی-خدماتی	ادغام انتقال نقدی با خدمات بهداشتی و آموزشی برای تأثیر حداکثر (پو و بندر، ۲۰۲۲).
پایداری و تاب‌آوری	پایداری اقتصادی	تداوم رشد و حفظ اشتغال پایدار در مناطق فقیر (بانک جهانی، ۲۰۲۵).
	پایداری اجتماعی	تاب‌آوری جامعه در برابر شوک‌ها (بانک جهانی، ۲۰۲۵).
	پایداری زیست‌محیطی	ادغام سیاست‌های سبز با فقرزدایی(برنامه توسعه سازمان ملل و OPHI، ۲۰۲۵).
	عدالت بین‌نسلی	حفظ منابع و فرصت‌های اقتصادی برای نسل‌های آینده(بانک جهانی، ۲۰۲۵).
	ساختار چندلایه	ایجاد شبکه‌های امنیتی چندلایه برای جلوگیری از سقوط مجدد به فقر (جای و همکاران، ۲۰۲۵).

مضمون فراگیر ۶: نوآوری فناورانه و دیجیتال

این مضمون به کاربرد فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال در خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی اختصاص دارد. با توجه به رشد سریع فناوری و ظهور هوش مصنوعی در سال‌های اخیر، استفاده از ابزارهایی مانند اپلیکیشن‌ها، بلاکچین، مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، و طراحی دیجیتال بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (جای و همکاران، ۲۰۲۵؛ لی و همکاران، ۲۰۲۴).

تحلیل فراترکیب نشان می‌دهد که موفقیت این ابزارها مستلزم تطبیق با زمینه محلی است؛ به طوری که طراحی و اجرای راه‌حل‌ها باید با شرایط فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی مناطق هدف هماهنگ باشد (روجا و همکاران، ۲۰۲۴).

یکی از رویکردهای نوین در این زمینه، طراحی انتقالی است که با مشارکت جامعه محلی، راه‌حل‌های پایدار و بومی برای توسعه روستایی ایران ارائه می‌دهد (افتخاری و همکاران، ۲۰۲۵). علاوه بر آن، بازاریابی اجتماعی و مدل‌های رفتاری مانند ADO ابزار مؤثری برای تغییر رفتارهای بهداشتی و آموزشی جمعیت هدف محسوب می‌شوند (ترکمنداغ و حسن[1]، ۲۰۲۴؛ عیسی و همکاران[2]، ۲۰۲۴).

این رویکردها بهبود دقت، شفافیت و کارایی سیاست‌های فقرزدایی را ممکن می‌سازند و به تحقق اثرات بلندمدت و پایدار کمک می‌کنند.

جدول ۸: مضمون فراگیر ۶: نوآوری فناورانه و دیجیتال (منبع: نویسندگان پژوهش)

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
ابزارهای دیجیتال	اپلیکیشن و پلتفرم‌ها	پلتفرم‌های دیجیتال نظارت بر توزیع منابع (پیرا وهمکارن، ۲۰۲۴).
	اقتصاد دیجیتال فراگیر	تأثیر زیرساخت دیجیتال و خدمات مالی موبایلی بر کاهش فقر (روجا و همکاران، ۲۰۲۴).
طراحی مشارکتی	طراحی انتقالی	بومی‌سازی راه‌حل‌های پایدار برای توسعه روستایی در ایران با مشارکت جامعه (افتخاری و همکاران، ۲۰۲۵).

1 Tuba Turkmenia و Azize Hassan
2 Esa et al

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد باز / توصیفی
	طراحی تفکر محور	همکاری ذی‌نفعان در شناسایی ریشه‌های فقر و ایده‌پردازی راه‌حل(پیرا و همکاران[1]، ۲۰۲۴).
هوش مصنوعی و داده‌محوری	هوش مصنوعی در سیاست	یک پاسخ هوش مصنوعی با همدلی بالا می‌تواند قصد استفاده مداوم را افزایش دهد(جای و همکاران، ۲۰۲۵).
	یادگیری ماشین توضیح‌پذیر	شناسایی مسیرهای توسعه پایدار خانوارهای روستایی بر اساس داده‌های بزرگ (جای و همکاران، ۲۰۲۵).
	تحلیل داده‌محور	استفاده از پایگاه داده محلی برای رصد پیشرفت(بانک جهانی، ۲۰۲۵).
	فناوری اجتماعی	نقش فناوری‌های ارزان و بومی در تسهیل دسترسی (روجا و همکاران، ۲۰۲۴).
بازاریابی اجتماعی	مدل ADO رفتاری	تغییر رفتارهای بهداشتی و آموزشی از طریق آگاهی، تصمیم‌گیری و فرصت(عیسی و همکاران، ۲۰۲۴).
	بازاریابی مشارکتی	تغییر نگرش ذی‌نفعان گردشگری برای توانمندسازی جوامع محلی(ترکمنداغ و حسن، ۲۰۲۴).

تبیین مدل مفهومی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی

بر پایه تحلیل و تلفیق نظام‌مند یافته‌های مطالعات منتخب، در این پژوهش مدلی مفهومی برای تبیین فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی ارائه شده است. این مدل از ترکیب مضامین استخراج‌شده از ادبیات پژوهشی شکل گرفته و می‌کوشد سازوکارهای مؤثر در شکل‌گیری، طراحی و اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با کاهش فقر را در قالب یک چارچوب فرآیندی توضیح دهد. در حالی که برخی رویکردها عمدتاً بر محتوای سیاست‌ها تمرکز دارند، مدل حاضر بیشتر به نحوه شکل‌گیری و پیشبرد فرایند خط‌مشی‌گذاری توجه دارد و تلاش می‌کند مراحل مختلف آن را در قالب یک روند پیوسته از مرحله آمادگی تا دستیابی به نتایج پایدار نشان دهد (شکل ۳).

نخستین گام در این چارچوب «آمادگی پیش‌سیاستی» است. در این مرحله، مسئله فقر شناسایی و ابعاد مختلف آن بررسی می‌شود و تحلیل‌هایی درباره شرایط اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های هدف و زمینه‌های لازم برای مداخله سیاستی صورت می‌گیرد. مرور مطالعات نشان

1 Pira et al

می‌دهد هرچه شناخت اولیه از مسئله دقیق‌تر باشد و ابعاد گوناگون فقر با دقت بیشتری تحلیل شود، امکان طراحی خط‌مشی‌های مؤثرتر در مراحل بعدی افزایش می‌یابد. در واقع، کیفیت این مرحله تا حد زیادی جهت‌گیری کلی خط‌مشی‌های فقرزدایی را تعیین می‌کند.

مرحله بعد به «تعیین راهبردها و جهت‌گیری‌های سیاستی» مربوط می‌شود. در این بخش، خط‌مشی‌گذاران بر پایه داده‌ها و تحلیل‌های مرحله پیشین، مجموعه‌ای از راهبردهای مناسب برای کاهش فقر را تدوین می‌کنند. این راهبردها ممکن است طیفی از سیاست‌های حمایتی، برنامه‌های توسعه‌ای، مداخلات مرتبط با بازار کار یا اقدامات مرتبط با خدمات اجتماعی را دربر گیرد. طراحی این راهبردها مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و نهادی فقر است، زیرا هر یک از این ابعاد می‌تواند بر اثربخشی خط‌مشی‌ها تأثیر بگذارد.

در گام سوم، نقش «نوآوری‌های فناورانه و ابزارهای دیجیتال» مورد توجه قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر، بسیاری از پژوهش‌ها بر اهمیت فناوری‌های اطلاعاتی در ارتقای کارآمدی سیاست‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. بهره‌گیری از سامانه‌های اطلاعاتی و ابزارهای تحلیل داده می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر گروه‌های هدف، افزایش شفافیت در تخصیص منابع، کاهش خطاهای اجرایی و بهبود نظام‌های پایش و ارزیابی کمک کند. به همین دلیل، در مدل پیشنهادی، فناوری به‌عنوان یکی از عوامل تسهیل‌کننده اجرای مؤثر خط‌مشی‌های فقرزدایی در نظر گرفته شده است.

مرحله چهارم به «اجرای سیاست‌ها» اختصاص دارد. در این مرحله، برنامه‌ها و مداخلاتی که در مراحل پیشین طراحی شده‌اند وارد عرصه عمل می‌شوند. تحقق اهداف سیاستی در این مرحله به عواملی مانند هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، نحوه تخصیص منابع، ظرفیت مدیریتی نهادهای مسئول و وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر وابسته است. یافته‌های بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد فاصله میان طراحی خط‌مشی‌ها و اجرای واقعی آن‌ها یکی از چالش‌های مهم برنامه‌های فقرزدایی به شمار می‌آید؛ از این رو، توجه به کیفیت اجرا برای دستیابی به نتایج مطلوب اهمیت اساسی دارد.

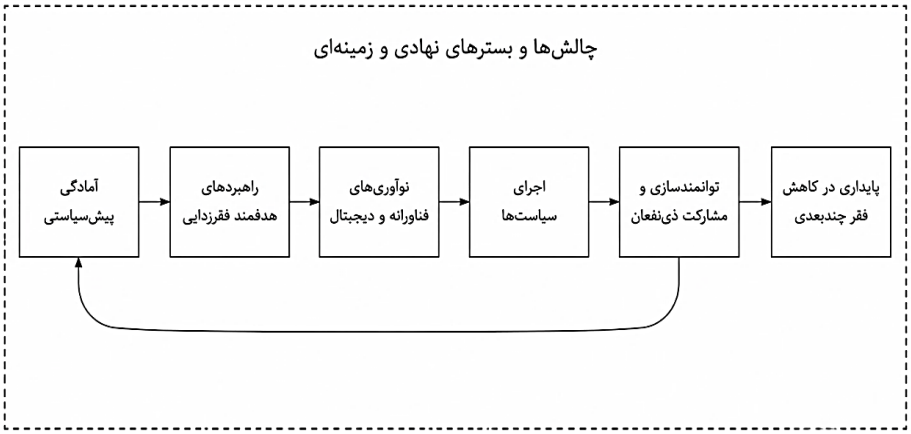
پس از اجرای سیاست‌ها، مؤلفه «توانمندسازی و مشارکت ذی‌نفعان» مطرح می‌شود. در این مدل، توانمندسازی صرفاً به‌عنوان پیامد نهایی خط‌مشی‌ها تلقی نمی‌شود، بلکه فرایندی مستمر در نظر گرفته می‌شود که از طریق افزایش مشارکت اجتماعی، تقویت ظرفیت‌های محلی و ارتقای مهارت‌های اقتصادی می‌تواند به پایداری نتایج سیاستی کمک کند. به بیان

دیگر، توانمندسازی علاوه بر آنکه نتیجه اجرای سیاست‌هاست، می‌تواند نقشی بازخوردی نیز داشته باشد و با تقویت ظرفیت‌های اجتماعی، زمینه بهبود و اصلاح مراحل پیشین خط‌مشی‌گذاری را در دوره‌های بعدی فراهم کند.

در نهایت، نتیجه مورد انتظار این فرایند دستیابی به «پایداری در کاهش فقر چندبعدی» است. در چنین وضعیتی، آثار خط‌مشی‌ها در قالب بهبود شرایط معیشتی، افزایش دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، ارتقای سرمایه انسانی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی قابل مشاهده خواهد بود. دستیابی به این مرحله به معنای تثبیت نسبی دستاوردهای سیاستی در بلندمدت و کاهش آسیب‌پذیری گروه‌های هدف در برابر شوک‌های اقتصادی و اجتماعی است.

در عین حال، نکته مهم آن است که همه این مراحل در بستر «شرایط نهادی و زمینه‌ای» هر جامعه شکل می‌گیرند. ساختارهای نهادی، قوانین، ظرفیت‌های حکمرانی و شرایط اقتصادی و اجتماعی می‌توانند نحوه طراحی و اجرای خط‌مشی‌های فقرزدایی را تحت تأثیر قرار دهند. به همین دلیل، در مدل ارائه‌شده، چالش‌ها و ظرفیت‌های نهادی نه به‌عنوان یک مرحله مستقل، بلکه به‌عنوان بستری در نظر گرفته شده‌اند که بر تمامی مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری اثر می‌گذارند.

در مجموع، مدل مفهومی این پژوهش با اتکا به یافته‌های ادبیات بین‌المللی تلاش می‌کند چارچوبی فرآیندی برای تحلیل خط‌مشی‌های فقرزدایی ارائه دهد. هرچند مضامین اصلی این مدل از مطالعات جهانی استخراج شده‌اند، اما روابط میان آن‌ها می‌تواند با توجه به ویژگی‌های نهادی و ساختار خط‌مشی‌گذاری در ایران تفسیر شود و برای بهبود فرایند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در کشور دلالت‌هایی به همراه داشته باشد. از این منظر، مدل ارائه‌شده نه به‌عنوان یک الگوی کاملاً بومی مبتنی بر داده‌های میدانی داخلی، بلکه به‌عنوان چارچوبی مفهومی در نظر گرفته می‌شود که مضامین آن از ادبیات جهانی گرفته شده و در مرحله تفسیر با ملاحظات نهادی و سیاستی ایران بازخوانی و متناسب‌سازی شده است.



شکل ۳. مدل نهایی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش فراترکیب، مؤلفه‌های اصلی فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی را شناسایی و در قالب یک مدل مفهومی تنظیم کرده است. نتایج نشان می‌دهد که موفقیت خط‌مشی‌های فقرزدایی تنها به طراحی ابزارهای مالی یا برنامه‌های حمایتی محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند توجه هم‌زمان به عدالت توزیعی، پایداری بلندمدت، توانمندسازی ذی‌نفعان، ارزیابی مستمر اثربخشی برنامه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های نوآورانه است. بر اساس مدل نهایی پژوهش، فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی از مرحله آمادگی و شناخت مسئله آغاز می‌شود، سپس از طریق طراحی و اجرای سیاست‌ها ادامه می‌یابد و در نهایت به تقویت مشارکت و توانمندی گروه‌های هدف منتهی می‌شود. در این چارچوب، توانمندسازی صرفاً پیامد نهایی سیاست تلقی نمی‌شود، بلکه در طول فرآیند نیز نقش بازخوردی و اصلاح‌کننده ایفا می‌کند. مدل پیشنهادی در امتداد چارچوب‌های مرحله‌ای موجود در ادبیات خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی قرار دارد، اما بر پایه یافته‌های این پژوهش، ابعادی همچون آمادگی پیش‌سیاستی، بستر نهادی، نقش فناوری‌های نوین و کارکرد بازخوردی توانمندسازی در آن پررنگ‌تر شده است.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که فقر پدیده‌ای چندبعدی و در حال تغییر است و ازاین‌رو رویکردهای تک‌بعدی و کوتاه‌مدت نمی‌توانند پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های آن باشند. توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، منطقه‌ای و محیطی فقر، به‌ویژه در مناطق شهری و روستایی، می‌تواند به طراحی خط‌مشی‌های دقیق‌تر و هدفمندتر کمک کند. از دیگر نتایج مهم پژوهش، تأکید بر

ضرورت هماهنگی میان نهادهای حمایتی و شکل‌گیری سازوکارهای پاسخگو در نظام سیاست‌گذاری است. تجربه ایران نیز نشان می‌دهد که پراکندگی نهادی و نبود انسجام در میان دستگاه‌های متولی حمایت اجتماعی، از جمله عواملی است که اثربخشی سیاست‌های فقرزدایی را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، در مدل مفهومی این پژوهش، چالش‌ها و ظرفیت‌های نهادی به‌عنوان زمینه اثرگذار بر کل فرآیند خط‌مشی‌گذاری در نظر گرفته شده‌اند، نه به‌عنوان مرحله‌ای مجزا.

از سوی دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های اطلاعاتی و تحلیل داده می‌تواند امکان شناسایی دقیق‌تر گروه‌های هدف و افزایش شفافیت در تخصیص منابع را فراهم آورد. چنین ابزارهایی زمینه را برای انطباق تدریجی سیاست‌ها با شرایط مناطق محروم و کاهش خطاهای اجرایی مهیا می‌کنند. در این پژوهش، چارچوب مفهومی بر اساس ادبیات بین‌المللی استخراج شده است، اما در تفسیر نتایج، ویژگی‌های نهادی و ساختار خط‌مشی‌گذاری در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر، مدل ارائه‌شده را می‌توان حاوی پیامدهای تحلیلی و راهبردی قابل استفاده در سطح خط‌مشی‌گذاری دانست. این مدل می‌تواند چارچوبی تحلیلی برای بازاندیشی در سازوکارهای حمایتی موجود فراهم کند و مبنایی برای آزمون‌های تجربی در پژوهش‌های آینده باشد. به بیان دیگر، این پژوهش کوشیده است از سطح توصیف فراتر رود و به تبیین سازوکارهای شکل‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های فقرزدایی بپردازد تا زمینه بررسی و انطباق تدریجی آن با شرایط ایران فراهم شود.

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود نهادهای مسئول پیش از اجرای خط‌مشی‌ها، مرحله شناخت مسئله و آمادگی سیاستی را با تحلیل دقیق داده‌های چندبعدی فقر تقویت کنند و در طراحی برنامه‌ها به تفاوت‌های منطقه‌ای توجه بیشتری داشته باشند. همچنین ترکیب ابزارهای مالی و غیرمالی با رویکردهای نوآورانه می‌تواند اثربخشی برنامه‌های فقرزدایی را افزایش دهد. توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان، جوانان و اقلیت‌ها نیز باید به محور برنامه‌های مشارکتی و ظرفیت‌سازی محلی تبدیل شود تا علاوه بر بهبود پیامدها، در اصلاح و تکمیل مراحل بعدی خط‌مشی‌گذاری نقش‌آفرین باشد.

در نهایت، تقویت هماهنگی نهادی میان دستگاه‌های متولی حمایت اجتماعی، توسعه نظام‌های اطلاعاتی یکپارچه و توجه به عدالت توزیعی و تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی از الزامات پیشگیری از بازتولید چرخه فقر است. استفاده سنجیده از تجارب و دانش جهانی،

همراه با توجه به شرایط نهادی و ساختاری ایران، می‌تواند زمینه طراحی سیاست‌های منسجم‌تر و پایدارتر در حوزه فقرزدایی را فراهم سازد.

محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در این پژوهش، تفکیک جامع میان انواع فقر شامل فقر شهری و روستایی و همچنین فقر مطلق و نسبی به‌صورت مستقل مورد تحلیل قرار نگرفته است. این موضوع ممکن است بر تحلیل دقیق نیازها و طراحی سیاست‌های هدفمند تأثیرگذار باشد، زیرا نوع و شدت فقر در مناطق مختلف تفاوت‌های ماهوی دارد و سیاست‌های مناسب برای هر گروه جمعیتی لزوماً یکسان نیستند.
- با توجه به گستردگی منابع موجود درباره خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی، امکان بررسی تمامی مطالعات و گزارش‌های مرتبط فراهم نبوده و پژوهشگر ناگزیر به گزینش منابع منتخب شده است. همچنین سهم منابع فارسی و اسناد سیاستی داخلی محدود بوده است که می‌تواند بر میزان تبیین بستر بومی اثرگذار باشد.
- روش فراترکیب یا متاسنتز بر ترکیب و تفسیر یافته‌های مطالعات پیشین استوار است؛ بنابراین نتایج حاصل بازتابی از تحلیل‌ها و تفسیرهای پژوهشگر از ادبیات موجود است و ممکن است تا حدی تحت تأثیر قضاوت‌های پژوهشی قرار گیرد. با این حال، استفاده از چارچوب نظام‌مند استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تلاش کرده است تا انسجام و شفافیت تحلیلی پژوهش حفظ شود.

پیشنهادات جهت پژوهش‌های آتی

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به ابعاد زیر توجه داشته باشند:

- تحلیل تفکیکی انواع فقر (مانند فقر شهری و روستایی یا فقر مطلق و نسبی) و بررسی تأثیر آن بر مراحل مختلف فرآیند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی.
- بررسی نقش بستر نهادی و اسناد بالادستی کشور (مانند برنامه‌های توسعه و سیاست‌های رفاهی) در شکل‌دهی به فرایند خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ایران.
- استفاده از روش‌های ترکیبی یا میدانی (مانند مصاحبه با خبرگان سیاستی، تحلیل اسناد ملی و مطالعات موردی) برای اعتبارسنجی و تکمیل مدل مفهومی ارائه‌شده.

- ارزیابی تجربی نقش فناوری‌های نوین و ابزارهای داده‌محور در بهبود شناسایی گروه‌های هدف و کارایی اجرای سیاست‌های فقرزدایی، به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی.

فهرست منابع

الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۷۹). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

الوانی، سید مهدی، پورعزت، علی اصغر، و نجابت، انسیه. (۱۳۹۴). بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری در ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه مدیریت دولتی، ۷(۱)، ۱-۱۸.

هزارجریبی، جعفر، و مرادی پور، الهام. (۱۴۰۳). صدای فقر همه گستر در جامعه؛ فراترکیب مطالعات فقر در ایران (بازه زمانی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲). فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۲۸۷-۸۵۳.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). گزارش عملکرد برنامه‌های فقرزدایی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). گزارش تحلیلی درباره خط‌مشی‌های فقرزدایی.

محمودی، وحید، صمیمی‌فر، سید قاسم. (۱۳۸۴). فقر قابلیتی، رفاه اجتماعی، ۵(۱۷)، ۳۲-۹.

کشتکاررجبی، هانیه، پورعزت، علی اصغر، بنافی، مسعود، و منوریان، عباس. (۱۴۰۳). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری برای مبارزه با نابرابری در جمهوری اسلامی ایران: مورد مطالعه فقرزدایی و از بین بردن حاشیه‌نشینی. فصلنامه حکمرانی و توسعه، ۴(۳)، ۲۰۹-۱۸۱.

سالاری، علی، زاینده‌رودی، محسن، و اسفندآبادی، سید عبدالمجید. (۱۴۰۳). بررسی تحلیلی فقرچندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران. مطالعات سیاسی- اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران. ۳(۳)، ۱۶۲-۱۴۹.

سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۴۰۲). لایحه برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷). تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. (۱۴۰۱). سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی (ابلاغی مقام معظم رهبری). تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

دانایی فرد، حسن، نبوی، سیدمرتضی، نصری، فرامرز، و سجادی‌نژاد، سیدمحمدجواد. (۱۴۰۳). مفهوم‌پردازی خط‌مشی‌ها، راهبردها و برنامه‌های رفع فقر در ایران: پژوهش کیفی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۷(۶۵). ۱-۳۶.

پیری، صدیقه، و صالح‌پور، نیوشا. (۱۴۰۴). فراترکیب مطالعات فقرزدایی سازمانی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۴(۲)، ۲۶۲-۲۳۹.

Affandi, A., Purwaningsih, Y., Hakim, L., & Mulyaningsih, T. (2024). Interplay between poverty, poverty eradication and sustainable development: A semi-systematic literature review. *Global Transitions*. Advance online publication. https://doi.org/10.1016/j.glt.2024.11.001

Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics, 95*(7–8), 476–487. https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.006

Barrientos, A. (2010). *Social protection and poverty* (Programme Paper). United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD).

Barrientos, A., & Hulme, D. (2008). Social protection for the poor and poorest in developing countries: Reflections on a quiet revolution (Brooks World Poverty Institute Working Paper No. 30). https://doi.org/10.2139/ssrn.1265576

Beheshti, S., Heydari, A., & Zahed, H. (2023). Pathology of poverty reduction of Imam Khomeini's relief committee in rural areas (Case study: Beneficiaries covered in Tangestan city). *Sociology of Poverty Knowledge, 13*(50), Article 1901. https://doi.org/10.22108/srspi.2023.137606.1901

Chak, T., Hu, J., Xiong, J., Prashad, V., & Singh, A. (2023). China's path from extreme poverty to socialist modernisation. *Zongheng: International Journal of Contemporary Chinese Studies*, (1)2.

Chambers, R. (1995). Poverty and livelihoods: Whose reality counts? *Environment and Urbanization, 7*(1), 173–204. https://doi.org/10.1177/095624789500700106

Coady, D., Grosh, M., & Hoddinott, J. (2004). *Targeting of transfers in developing countries: Review of lessons and experience*. World Bank.

Cornwall, A. (2000). *Beneficiary, consumer, citizen: Perspectives on participation for poverty reduction* (Sida Studies No. 2). Swedish International Development Cooperation Agency.

Eberlei, W. (2007). *Accountability in poverty reduction strategies: The role of empowerment and participation* (Social Development Papers No. 104). World Bank.

Eberlei, W. (Ed.). (2007). *Stakeholder participation in poverty reduction* (INEF Report 86/2007). Institute for Development and Peace.

Eftekhari, F., Gheisarieh, Z., Choopankareh, V., Khalili, M., & Ajdari, A. (2025). Implementing transition design for sustainable poverty

alleviation in rural Iran: A case study of Aram Village, Andika County. *Journal of Design Thinking*. Advance online publication. https://doi.org/10.22059/JDT.2025.391860.1146

Esa, M. S. M., Wahid, H., & Yaacob, S. E. (2024). A systematic literature review of conditional cash transfer and behaviour changes using the ADO model. *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*, *22*(2), Article 18320. https://doi.org/10.57239/PJLSS-2024-22.2.001338

Fiszbein, A., Schady, N., Ferreira, F. H. G., Grosh, M., Keleher, N., Olinto, P., & Skoufias, E. (2009). *Conditional cash transfers: Reducing present and future poverty*. World Bank. https://doi.org/10.1596/978-0-8213-7352-1

Jia, S., Li, Q., Zhao, W., & Wang, Y. (2025). How do rural households achieve poverty alleviation? Identification and characterization of development pathways using explainable machine learning. *Sustainability*, *17*(21), Article 9704. https://doi.org/10.3390/su17219704

Karl, M., Potters, J., Colatei, D., & Dohrn, S. (2002). *Participatory policy reform from a sustainable livelihoods perspective: Review of concepts and practical experiences*. FAO/ILO.

Li, H., Shi, L., & Wen, K.-H. (2024). Design-driven sustainable poverty alleviation: A case study of precise identification and resource optimization in rural areas. *Sustainability*, *16*(21), Article 9380. https://doi.org/10.3390/su16219380

Li, X., & Li, L. (2021). Evaluation of China's targeted poverty alleviation policies: A decomposition analysis based on the poverty reduction effects. *Sustainability*, *13*(21), Article 11691. https://doi.org/10.3390/su132111691

McGee, R., with Norton, A. (2000). *Participation in poverty reduction strategies: A synthesis of experience with participatory approaches to policy design, implementation and monitoring* (IDS Working Paper 109). Institute of Development Studies.

Mohd Zain, Z., Md Khalid, N. S., Mat Nurudin, S., & Onimisi, T. (2021). Poverty alleviation policies in Malaysia and Nigeria: A review. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, *6*(16), 239–246. https://doi.org/10.21834/ebpj.v6i16.2694

Mustari, N., Razak, R., Junaedi, J., Fatmawati, F., Hawing, H., & Baharuddin, T. (2024). Multipartner governance and the urgency of poverty alleviation policy: Zakat fundraising management. *Cogent*

Social Sciences, *10*(1), Article 2361529. https://doi.org/10.1080/23311886.2024.2361529

Mwangi, S. W., & Mutuku, M. (2025). Community participation and sustainability of poverty reduction projects in Taita Taveta County: A case of village enterprise organization projects. *Scientific Journal of Business and Management*, *12*(1). https://doi.org/10.61426/sjbcm.v12i1.3193

OPHI & UNDP. (2025). *Global Multidimensional Poverty Index 2025 – Overlapping hardships: Poverty and climate hazards*. Oxford Poverty and Human Development Initiative and United Nations Development Programme.

Osei-Kufuor, P., & Koomson, F. (2014). Reducing poverty through community participation: The case of the National Poverty Reduction Program in the Dangme-West district of Ghana. *International Journal of Development and Sustainability*, *3*(8), 1662–1628.

Pira, M., Fleet, G., & Moir, R. (2024). Design thinking for social change: Exploring stakeholder collaboration in poverty alleviation. *Journal of Sustainability Research*, *6*(3), Article e240037. https://doi.org/10.20900/jsr20240037

Pouw, N., & Bender, K. (2022). The poverty reduction effect of social protection: The pros and cons of a multidisciplinary approach. *European Journal of Development Research*. Advance online publication. https://doi.org/10.1057/s41287-022-00505-5

Ravallion, M. (2007). Evaluating anti-poverty programs. In T. P. Schultz & J. Strauss (Eds.), *Handbook of development economics* (Vol. 4, pp. 3787–3846). Elsevier.

Ruja, I. N., Sumarmi, & Idris. (2024). Programs, opportunities, and challenges in poverty reduction: A systematic review. *Sage Open*, *14*(2). https://doi.org/10.1177/21582440241256242

Sajadi, H., Sadeghizadeh, S., & Taghizadeh, M. (2017). Poverty alleviation through empowerment with a focus on partnership: A case study of Iran. *Asian Social Science*, *13*(5), 57–67. https://doi.org/10.5539/ass.v13n5p57

Sumarto, S., Suryahadi, A., & Arifianto, A. (2004). Governance and poverty reduction: Evidence from newly decentralized Indonesia. SMERU Research Institute.

Sun, B., Whah, C. Y., & Wang, Y. (2025). A systematic review of significant research on poverty alleviation by social organizations: Comparing distinctive approaches in China and the world. *Cogent*

Social Sciences, *11*(1), Article 2484468.https://doi.org/10.1080/23311886.2025.2484468

Türkmendağ, T., & Hassan, A. (2024). A stakeholder perspective on poverty reduction through the implementation of social marketing in the context of tourism. *Frontiers in Psychology*, *14*, Article 1304952. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1304952

UNDP Evaluation Office. (2013). *Evaluation of UNDP contribution to poverty reduction*. United Nations Development Programme.

van Daalen, K. R., Dada, S., James, R., Ashworth, H. C., Kizito, P., Luchters, S., Mooney, C., Kome, Y., Elsen, M. Y., & Blanchet, K. (2022). Impact of conditional and unconditional cash transfers on health outcomes and use of health services in humanitarian settings: A mixed-methods systematic review. *BMJ Global Health*, *7*(1), Article e007902. https://doi.org/10.1136/bmjgh-2021-007902

Wang, Y. D., Xu, T. L., & Yuan, C. (2024). It takes three to ceilidh: Pension system and multidimensional poverty mitigation in China. *arXiv*. https://arxiv.org/abs/2411.02807

Wang, Y., Firdaus, R. B. R., Xu, J., Dharejo, N., & Jun, G. (2025). China's rural revitalization policy: A PRISMA 2020 systematic review of poverty alleviation, food security, and sustainable development initiatives. *Sustainability*, *17*(2), Article 569. https://doi.org/10.3390/su17020569

World Bank Participation and Civic Engagement Group. (2002). *Participation in poverty reduction strategy papers: A retrospective study*. World Bank.

World Bank. (2020). *Poverty and shared prosperity 2020: Reversals of fortune*. World Bank.

World Bank. (2023). *Poverty & equity brief: Islamic Republic of Iran*. World Bank.

World Bank. (2024). *Poverty, prosperity, and planet 2024: Pathways out of the polycrisis*. World Bank.

World Bank. (2025a). *Global economic prospects, January 2025*. World Bank. https://doi.org/10.1596/978-1-4648-2147-9

World Bank. (2025b). *June 2025 update to the Poverty and Inequality Platform (PIP)*. World Bank. https://openknowledge.worldbank.org/bitstreams/8d28b28f-c071-40e6-91c6-f08efb411ceb/download

World Bank. (2025c). *State of social protection report 2025: The 2-billion-person challenge*. World Bank. https://hdl.handle.net/10986/42841

Zhu, C., & Zhu, D. (2025). Precision poverty alleviation policies and macroeconomic fluctuations: Evidence from a quasi-natural experiment in the establishment of national-level poverty-stricken counties. *International Review of Economics & Finance*. Advance online publication. https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.104663

COPYRIGHTS

©2026 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) https://creativecommons.org/licenses/by/4.0